



Jurisprudential Genealogy of Cultural Deviations in Wedding Ceremonies in Contemporary Iranian Society

Mohammad Kakavand^{1*}, Ehsan Torkashvand², Sajad Torkashvand³

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. (Corresponding Author). Email: m.kakavand@malayeru.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. Email: Torkashvand@Malayeru.ac.ir
3. PhD student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. Email: kakavandm1362@gmail.com

Abstract

Marriage, as one of the most fundamental foundations of society, holds a special place in Islam and has been strongly emphasized in numerous Qur'anic verses and traditions. Despite these emphases, contemporary wedding ceremonies in Iranian society have witnessed multiple cultural deviations that conflict with the principles of Imamiyyah jurisprudence. This study, employing a descriptive-analytical method through documentary and library-based research, seeks to answer the central question: "What deviations exist in contemporary Iranian wedding ceremonies from the perspective of Imamiyyah jurisprudence, and what are the Islamic legal rulings regarding them?" Findings indicate that practices such as the use of frivolous and impermissible music (lahw and ghina), mixed or individual dancing leading to corruption, consumption of alcoholic beverages and narcotics, extravagance and wastefulness, as well as public disturbance caused by loud noises and traffic congestion, are all instances of deviation from Islamic teachings in wedding ceremonies. Based on narrative and jurisprudential evidence, these practices are considered haram (forbidden) and entail sin and both criminal and civil liability for the perpetrators. The main contribution of this study lies in providing a jurisprudential explanation of these deviations and emphasizing the necessity of holding marriage ceremonies in accordance with Islamic etiquette and avoiding forbidden practices to preserve the sanctity of this divine tradition. Moreover, while certain cultural customs in contemporary Iranian society have normalized such deviations, the intervention of social elites, lawmakers, and religious authorities is deemed necessary to eliminate these cultural anomalies.

Keywords: Wedding Ceremonies; Social Customs; Extravagance and Wastefulness; Cultural Deviations; Iranian-Islamic Lifestyle.

تبارشناسی فقهی انحرافات فرهنگی مراسم عروسی در عرف ایران معاصر

محمد کاکاوند^{۱*}، احسان ترکاشوند^۲، سجاد ترکاشوند^۳

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: m.kakavand@malayeru.ac.ir

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

رایانامه: Torkashvand@Malayeru.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

رایانامه: kakavandm1362@gmail.com

چکیده

ازدواج به عنوان یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های جامعه در دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مورد تأکید فراوان آیات و روایات قرار گرفته است. با وجود این تأکیدات، مراسم‌های عروسی در عرف ایران معاصر شاهد انحرافات متعددی است که با اصول و موازین فقه امامیه در تعارض قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی این انحرافات و تحلیل فقهی آن‌ها، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که «مراسم‌های عروسی در عرف ایران معاصر از منظر فقه امامیه چه انحرافات را در برمی‌گیرد و حکم شرعی این انحرافات چیست؟» روش تحقیق حاضر، گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای به صورت توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعمالی چون استفاده از موسیقی لهوی و غنا، رقص‌های مختلط یا فردی که منجر به فساد شود، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر، اسراف و تبذیر در برگزاری مراسم و همچنین مردم‌آزاری ناشی از سروصدای بلند و راه‌بندان‌ها، جملگی از مصادیق انحراف از آموزه‌های اسلامی در مراسم عروسی به شمار می‌روند. بر اساس ادله روایی و فقهی، این اعمال حرام بوده و موجب گناه و مسئولیت کیفری و مدنی برای مرتکبین می‌گردد. دستاورد اصلی این تحقیق، تبیین فقهی این انحرافات و تأکید بر لزوم برگزاری مراسم ازدواج مطابق با شئون اسلامی و پرهیز از اعمال حرام جهت حفظ قداست این سنت الهی است و هر چند برخی عرف‌های خاص جامعه ایران معاصر، این انحرافات را پذیرفته است. لذا ورود عقلای جامعه، قانون‌گذاران و مراجع تقلید برای رفع این انحرافات فرهنگی در عرف جامعه ضروری است.

واژگان کلیدی: مراسم عروسی، عرف جامعه، اسراف و تبذیر، انحرافات فرهنگی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی.

ارجاع به مقاله: کاکاوند، محمد، ترکاشوند، احسان و ترکاشوند، سجاد. (۱۴۰۴). تبارشناسی فقهی انحرافات فرهنگی مراسم

عروسی در عرف ایران معاصر. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۲)، ۱۵ - ۳۲.

Doi: 10.22034/cjls.2025.2066669.1051

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

مقدمه

تشکیل خانواده دارای ارزش و جایگاه مهمی در دین اسلام است، خداوند انسان‌ها را به تشکیل این کانون ارزشمند، تشویق و ترغیب نموده است، از سوی دیگر، خداوند با فرستادن احکام و مقررات ارزشمند برای این پایگاه بزرگ، راه دستیابی به سعادت دنیا و آخرت را برای بشر، فراهم نموده است، زیرا عمل کردن هر یک از اعضای خانواده به آن مقررات و سفارش‌ها می‌تواند آن‌ها را هم در دنیا و هم در آخرت به رستگاری برساند؛ بنابراین، اگر انسانی از تشکیل خانواده، خودداری نماید، یقیناً راه‌های زیادی را برای دستیابی به تکامل و سعادت از دست داده است. ارزش و جایگاه خانواده که با ازدواج شروع می‌شود را می‌توان از دو منبع بزرگ اسلام یعنی قرآن و روایات استخراج کرد. آیات (رعد، ۳۸) و روایات (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۹۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۷) زیادی در مورد ثواب و فضیلت ازدواج آمده است. با وجود فضیلت و ثواب زیاد ازدواج در کتاب و سنت؛ اما امروزه عقد مقدس ازدواج را با جشنی تلفیق کردند که بار منفی زیادی دارد و در آن انواع و اقسام گناهان وجود دارد و ازدواج مقدس را به سوی تباهی و شوم سوق داده‌اند و حتی در برخی مراسم‌ها، جرم‌هایی به وقوع می‌پیوندد. در واقع عرف جامعه مراسم جشن عروسی را پذیرفته است و در همین مراسم، انحرافات وجود دارد که از دید فقهی جرم و گناه محسوب می‌شوند. از مهم‌ترین گناهان می‌توان به اسراف که در برخی آیات و همچنین سنت بر این مطلب دلالت دارند اشاره کرد. از جمله این گناهان، شتاب‌اش است که فرد برای ترغیب و تشویق طرف مقابل، به نوازنده ارگ یا خواننده می‌دهد. از جمله این گناهان، گروه ارکس و غنا است که در راه باطل و لغو می‌خوانند و بینندگان را به لهو و لعب و رقص وادار می‌کنند. از جمله این گناهان، مردم‌آزاری است به این صورت که سروصدای گروه ارکس و ساز و دهل باعث آزار و اذیت افراد سالخورده و مریضان و همچنین همسایگان دور و اطراف می‌شود مخصوصاً در ساعت‌های پایانی شب است. از جمله جرائم در عروسی حمل و نقل مشروبات الکلی و استعمال آن در مراسم عروسی و مست‌شدن برخی افراد و از حالت خود خارج شدن است و ارتکاب هر نوع فسق و فسوق در مراسم عروسی است و همچنین در عروسی‌های رسم است میان افراد معتاد، مواد مخدر پخش می‌شود که از لحاظ حقوقی جرم محسوب می‌شود. از آنجاکه در این مورد تحقیق جامعه و مفصل صورت نگرفته است؛ لذا هدف در این تحقیق بررسی گناهان و جرائمی موجود در مراسمی عروسی است که با توجه به آیات، روایات و نظرات فقها پاسخ مناسبی در این مورد داده می‌شود.

۱. مفهوم ازدواج و نکاح

نکاح از باب ثلاثی مجرد و از ریشه نکح، ینکح می‌باشد. ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال (ازدوج، یزدوج، ازدواج) و زواج مصدر باب مفاعله است. ازدواج و زواج در لغت به معنی ضمیمه کردن و جمع کردن و همچنین به معنای جفت شدند و زن و شوهر گشتند، اتصال، دوتا شدن می‌باشد. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۹۳؛ فیومی، بی تا ج ۲، ص ۲۵۹؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۷۰؛ عمید، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۰۸؛ رامپوری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۰؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۰۷) نکاح هم در لغت به معنی تقابل، زن گرفتن، مقاربت و جماع و وطی می‌باشد. (قلجی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۴۰) راغب آورده است: نکاح در اصل برای عقد است سپس به طور استعاره به جماع به کار برده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳) ولی بیشتر لغت‌شناسان دو معنای عقد و وطی را برای نکاح به کار می‌برند. (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۴؛ ابن فارس، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۷۵؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۳) البته این باید گفت منظور از عقد یعنی ایجاب و قبولی که دلالت محرمیت زوج و زوجه می‌شود و منظور از وطی هم یعنی حلالیت استمتاع جنسی زوج و زوجه است. فقها نیز در کتب فقه خود ابتدا بحث لغتی نکاح و سپس تعریف اصطلاحی نکاح را آورده‌اند. نکاح در لغت به معنی تقابل است و در زبان عرب هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند گفته می‌شود: تناکح الجبلان، یعنی: دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند. (علامه حلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۶۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۵) و در اصطلاح به دو معنا آمده است: ۱- بر عقد مخصوصی که مشتمل بر ایجاب و قبول است و نتیجه آن حلال شدن زن بر مرد است. ۲- به معنای دخول و آمیزش است. (سیوری حلی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۷) برخی از فقهای معاصر این‌طور نکاح را تعریف کرده است: همسر گرفتن مرد یا زن است که به سبب عقد ازدواج همراه با شرایط آن، تحقق می‌یابد. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۶۳) ازدواج و نکاح نیز در حقوق به تبع از فقها و لغت‌شناسان، مورد تعریف قرار گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «نکاح» در لغت عرب در معانی متعددی به کار رفته است که همه آن معانی بامعنای اصطلاحی نکاح مناسبت دارند و آن معانی عبارت‌اند از: (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۹) ۱- «تقابل و التقاء» لذا عرب هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند می‌گوید: «تناکح الجبلان» یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند. ۲- سلطه و غلبه ۳- وصول و اختلاط ۴- ضم ۵- وطی ۶- عقد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۵-۶) و در

اصطلاح حقوق «نکاح» عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، باهم متحد می‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰؛ امامی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۶۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۳؛ محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۲۲) پس ازدواج و نکاح و زواج مترادف هم و در لغت به معنی جفت شدن، متحد شدن، زناشویی گفته می‌شود و در اصطلاح یعنی زن و مرد پیمان زناشویی می‌بندند تا تشکیل خانواده (به نحوی که شرع گفته است) دهند و شروع به زندگی مشترک کنند.

۲. مفهوم عرف

«عرف» به معنی معروف و شناخته شده (فراهدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۱)، امری پسندیده در نظر عقل یا شرع (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۱)، صبر و بردباری، اقرار، جود و بخشش به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۸-۲۴۰) محققان تعارف زیادی از عرف به عمل آورده‌اند که دو مورد بیان می‌شود:

۱. آنچه مردم به آن عادت کرده و بر اساس آن رفتار می‌کنند؛ خواه کاری باشد که میان آن‌ها رایج است و خواه لفظی باشد که استعمال آن در معنایی معروف شده است، به گونه‌ای که با شنیدن آن لفظ، چیز دیگری غیر از این معنا به ذهن آن‌ها خطور نمی‌کند. (سلقینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴؛ مطیعی، ۱۴۱۳، ص ۳۱۷)

۲. عرف، بنا به یک تعریف، عبارت است از آداب، عادات و قوانین اجتماعی که عموم افراد جامعه به آن عمل می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۴۸؛ زرقا، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۴۰؛ خلاف، ۱۹۹۶، ص ۸۵)

برخی، واژه‌های «عرف»، «عادت»، «سیره» و «سیره عقلا» که در ادبیات فقها و اصولیان به کار می‌رود را مترادف و دارای معنای واحد دانسته‌اند. (سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۳۳۲) برخی گفته‌اند «عادت»، عام‌تر از «عرف» است؛ چراکه «عادت» می‌تواند ناشی از عامل طبیعی یا امری فردی باشد، در حالی که «عرف» همان عادت عمومی و همگانی است. بر همین اساس گفته می‌شود هر عرفی «عادت» است، اما هر عادت «عرف» نیست. (زرقا، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۷۴) برخی اصولیان، سیره عقلا را همان عرف عام، یعنی عرفی که نزد همه یا بیشتر مردم پذیرفته شده، به حساب آورده‌اند. (کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۹۲؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۳۳۷) گروهی نیز تفاوت‌هایی بین آن‌ها ذکر کرده‌اند. (علیدوست، ۱۳۸۴،

ص ۱۱۹-۱۲۱) سیره عقلا برخلاف عرف، فقط به سلوک و روشی اختصاص دارد که منشأ عقلانی دارد؛ درحالی که منشأ عرف صرفاً چنین نیست و ناشی از تقلید و عادات نیز می‌تواند باشد. (همان) همچنین گفته شده عرف اعم از سیره عقلا است؛ زیرا سیره عقلا فقط شامل افعال است، درحالی که عرف، غیر از افعال، کلام و ترک فعل را نیز شامل می‌شود. (بنازاده، ۱۴۰۳، ص ۲۹) خلاصه این که عرف، مجموعه‌ای از عادات، رفتارها و باورهای پذیرفته شده در یک جامعه است که ممکن است در قانون یا مقررات رسمی به آن‌ها اشاره‌ای نشده باشد، اما به طور گسترده توسط افراد آن جامعه رعایت می‌شوند. به عبارت دیگر، عرف روش‌ها و رفتارهایی هستند که به طور معمول در یک جامعه پذیرفته شده و به عنوان یک هنجار یا قاعده در نظر گرفته می‌شوند. از این رو برگزاری مراسم عروسی در عرف جامعه ایران اسلامی پذیرفته شده است.

۳. فضیلت ازدواج در کتاب و سنت

آیات و روایات زیادی در مورد فضیلت قرآن کریم بیان شده است: مثلاً قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و بندگان و کنیزان صالح و شایسته را به نکاح یکدیگر در آورید». (نور، ۳۲) مضمون آیه این است کسانی را که همسر ندارند و صلاحیت برای ازدواج دارند به همسری یکدیگر در آورید، خواه آزاد باشند یا برده و این امر در قرآن امر مستحبی است. (طبرسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۱۰) هرکس ازدواج را به دلیل ترس از تنگدستی ترک کند، گمان بد به پروردگارش برده، زیرا خدا در قرآن فرموده است: اگر محتاج باشند خداوند به فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۰)

در برخی روایات، ازدواج برترین پایگاه نزد خدا محسوب شده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِجِ» هیچ بنایی در اسلام، پایه‌گذاری نشده که در پیشگاه خدای عزوجل، محبوب‌تر و ارجمندتر از تشکیل خانواده باشد. (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۳) برخی روایات به این نکته اشاره می‌کنند که ازدواج از نظر خداوند عزوجل از مهم‌ترین و محبوب‌ترین اعمال است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۵) دلالت برخی روایت بر آن است که تشکیل خانواده باعث می‌شود نصف دین مسلمان کامل شود و نصف دیگر آن در تقوای الهی است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۹) همچنین یکی از فواید ازدواج و تشکیل خانواده، گشایش در روزی است؛ یعنی با ازدواج کردن روزی افراد زیاد می‌شود. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۰)

۴. ولیمه

فقه‌های معاصر و متقدم بر استحباب بودن ولیمه اتفاق دارند؛ (فاضل مقداد، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۴۷؛ قمی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۷۴؛ شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۶۳۵) امام خمینی (رحمه‌الله) می‌فرماید: «مستحب است که زفاف در شب و ولیمه در شب زفاف یا روز آن باشد. به‌درستی که ولیمه از سنن مرسلین است؛ و فقط یک روز یا دو روز مستحب است - نه بیشتر» (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۴۲۵) برای آنکه روایت از پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است که: «الْوَلِيمَةُ أَوْلَى يَوْمِ حَقِّ وَ الثَّانِي مَعْرُوفٌ - وَمَا زَادَ رِيَاءٌ وَ سَمْعَةٌ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۹۵) ولیمه در روز اول حق و در دو روز کرامت است و ولیمه در سه روز ریا است و سزاوار است که مؤمنین برای ولیمه دعوت شوند و برای آن‌ها مستحب است که آن را اجابت نمایند و از ولیمه بخورند، اگرچه دعوت شده به روزه مستحبی روزه باشد؛ و سزاوار است که دعوت صاحب دعوت، هم اغنیاء هم فقرا را شامل شود و مخصوص اغنیاء قرار ندهد؛ پس از پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنْ طَعَامِ وَلِيمَةٍ يَخْصُ بِهَا الْأَغْنِيَاءَ وَ يَتْرُكُ الْفُقَرَاءَ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۸۲) بدترین ولیمه‌ها ولیمه‌ای است که اغنیاء به آن دعوت شوند ولی فقرا به آن دعوت نشوند. شیخ طوسی و خیلی از فقها می‌فرمایند: «ولیمه دادن در عروسی مستحب است و واجب نیست؛ دلیل آن؛ اجماع، اصل برائت و نبود دلیل بر وجوب آن است. از علمای اهل سنت فقط شافعیان دو دیدگاه دارند که اولی آن استحباب ولیمه دادن و دومی آنان وجوب ولیمه دادن است». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۰۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۴؛ طبرسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۴؛ ابن ماجه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۷۰؛ شوکانی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۲۶) مستندات فقها در مورد ولیمه دادن و احکام آن، روایات زیادی است از جمله روایات ذیل است:

موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: «همانا رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند: ولیمه نباشد مگر در پنج مورد: در عرس و یا در خرس و یا در عذار...». (شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۶؛ همو، ۱۴۰۳، ص ۲۷۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، الف، ج ۷، ص ۴۰۹)

۱. ولی برخی از فقهای شافعی بر این عقیده‌اند که پذیرفتن ولیمه در هر حال مطلقاً واجب است: ظاهر مذهب الشافعی آنکه اوجب الإجابة فی جمیع الولايم: شافعی، الام، ج ۶، ص ۱۸۱؛ نووی، المجموع، ج ۱۶، ص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ شریبجی، مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۲۴۵؛ ابن قدامة، المغنی، ج ۸، ص ۱۰۷؛ ابن قدامة مقدسی، الشرح الكبير، ج ۸، ص ۱۰۶.

هنگامی که منادی برای ولیمه قرار می‌گیرد پس قبول کنید. (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۳۵) طبق روایات می‌توان گفت: در مراسم عروسی فقط ولیمه دادن مورد سفارش قرار گرفته است و حتی از سنت‌های نبوی می‌باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳؛ غضنفری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۵) ولی برگزاری جشن و کارهای دیگر در مراسم عروسی مورد بیان نگرفته است. عرف جامعه ایران نیز در مراسم عروسی، ولیمه را پذیرفته است و عروسی‌های که در ایران برگزار می‌شود، به همراه پذیرایی و شام است. البته لازم به ذکر است که آداب و رسوم و عرف هر منطقه در دادن ولیمه متفاوت است. مثلاً در روستاها جشن عروسی چند روز و چند وعده غذا داده می‌شود، در برخی مناطق خصوصاً مناطق شهری، ولیمه در تالارها و با قشر پولدار و در شب برگزار می‌شود که این موارد با دستورات دینی کمی تفاوت دارند. مثلاً عرف جامعه پذیرفته شده است که ولیمه دادن با انواع و اقسام غذا، نوشیدنی، شیرینی و هدیه در بهترین تالار شهر و با حضور افراد پولدار و سرشناس در شب برگزار شود. در حالی که در دستورات فقهی آمده است که مؤمنان، خویشاوندان و همسایگان به مراسم ولیمه دعوت کنند (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۴). ولیمه عروسی در روز باشد (حکیم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۵۵۹)، فقط ثروتمندان دعوت نشوند و همگی در این مراسم حاضر شوند. (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۸۴؛ حکیم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۵۵۹؛ ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۰۸؛ ج ۶، ص ۴۵۲) حتی عرف جامعه پذیرفته شده است که در مراسم عروسی، ولیمه دادن به همراه موسیقی و مواد نوشیدنی خصوصاً نوشیدن‌های حرام باشد که این موارد در دستورات فقهی ممنوع هستند.^۱ (حکیم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۵۶۰) خلاصه این‌که در برگزاری جشن عروسی و ولیمه دادن، میان عرف جامعه و فقه امامیه اختلافاتی وجود دارد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۵. بررسی گناهان موجود در جشن ازدواج

تنها چیزی هنگام ازدواج سفارش شده است دادن ولیمه است، نه چیزهای دیگر باشد؛ بنابراین در این قسمت چیزهایی (که از نظر عموم مردم حرام بودند نشان یا نبودنشان اختلاف است) که امروزه به ازدواج ملحق شده‌اند؛ مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. اگر در مجلس ولیمه، موسیقی حرام یا شراب وجود داشته باشد، حضور در ولیمه جایز نیست؛ مگر آنکه حضور باعث شود بساط حرام جمع‌آوری شود.

۱-۵. استعمال غنا و آلت‌های موسیقی

فقهای امامیه با تکیه بر سنت، استفاده از غنا و موسیقی و همچنین استفاده از آلت‌های موسیقی مثل عود، تنبور، مزار و ... را حرام می‌دانند. ولی امروزه آلت‌های موسیقی لهو و لعب زیادتر شده‌اند مثل ارگ، ساز و دهل و ... که این‌ها هم ملحق به آلت‌های موسیقی حرام می‌شوند.

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «در خانه‌ای که شراب یا دفع یا تنبور و یا نرد باشد؛ فرشتگان رحمت به آن وارد نمی‌شوند، دعای ساکنان آن مستجاب نمی‌شود و برکت از آنان برداشته خواهد شود». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۱۲)

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: از گوش دادن به نوازندگی و خوانندگی پرهیزید زیرا نفاق را در دل می‌رویاند همان‌گونه که آب سبزه را می‌رویاند. (متقی هندی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۲۰)

۳. امام علی (علیه السلام) فرموده است: «به شش گروه سلام دادن روا نیست: ۱. یهودی. ۲. مسیحی. ۳. اهل نرد و شطرنج (اهل قمار). ۴. اهل شراب و بربط و تنبور (اهل موسیقی). ۵. خنده کنندگان با فحش به مادران (شاید منظور این باشد که او به مادر دیگران فحش می‌دهد و با استهزا می‌خندد، یا دیگران به مادر او فحش می‌دهند و او نیز خوشش می‌آید و می‌خندد). ۶. شاعران (شاعرانی که شعرهای باطل یا بیهوده می‌سرایند)». (شیخ صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۱)

۴. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «غنا و آوازخوانی، لانه نفاق است». (حر عاملی، همان، ص ۳۰۴)

۵. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خانه‌ای که محل غنا و آوازخوانی باشد از بلاهای خطرناک ایمن نیست، در آنجا دعا مستجاب نمی‌شود و فرشتگان رحمت به آن خانه وارد نمی‌شوند». (همان، ص ۳۰۹)

از مجموع احادیث نقل شده که به جرئت می‌توان گفت به حد تواتر می‌رسند، می‌توان فهمید که: غنا و موسیقی، هم برای خواننده و نوازنده و هم برای شنونده آن حرام است؛ مالی که خواننده یا نوازنده از این راه به دست آورد سحت و حرام و دهنده آن مال نیز مرتکب گناه زشتی شده است.

بسیاری از علمای شیعه برای حرمت موسیقی و آلت‌های آن، علاوه بر سنت، ادعای اجماع هم کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۵؛ نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۶۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۲)؛ مثلاً: «الظاهر انه لا خلاف حينئذ فی تحریمه و تحریم الاجره علیه،

و تعلیمه و استماعه» و نیز می‌فرماید: «بل الاجماع علی تحريم الغناء». (مقدس اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۵۹؛ کرمانشاهی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۴۴۸) هرچند اجماع بر حرمت غنا و موسیقی و ابزارهای آن‌ها وجود دارد؛ اما این اجماع مدرکی است چون ادله منصوص بر حرمت آن وجود دارد. مراجع تقلید نیز خرید و فروش و نگهداری و تعلیم و استفاده از آلات لهو و لعب حرام اعلام کرده‌اند. (کلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۰۷؛ لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۴؛ بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۲۳) مثلاً آمده است: «خرید، نگهداری و استفاده از وسایل موسیقی مانند کمانچه، ارگ، پیانو، ضرب و مانند آن، که معمولاً جهت موسیقی سنتی از آن استفاده می‌شود، چه حکمی دارد؟ جواب: خرید و فروش و استفاده از اسباب و آلاتی که از آن‌ها غالباً برای موسیقی حرام استفاده می‌شود حرام است». (تبریزی، ۱۳۹۰ الف، ج ۲، ص ۲۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۳۲؛ نجف‌آبادی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۴۴)

با توجه به موارد گفته‌شده، استفاده از ارگ و ساز و دهل یا هر وسیله‌ای که در مراسم عروسی استفاده می‌شود و متناسب با مجالس لهو و لعب باشد، حرام است. از طرف دیگر در عرف جامعه پذیرفته شده است که در مراسم عروسی، میهمانان باید شاد باشند لذا لازم به وجود آلت موسیقی است. حال عده‌ای این مراسم عروسی را با آلت موسیقی غیر مجاز و متناسب با مجالس لهو و لعب زینت می‌دهند که از لحاظ فقهی کاری حرام است و عده‌ای دیگر که در کل مراعات می‌کنند و موسیقی‌های محلی مجاز، موسیقی‌های سنتی و به مولودی خوانی روی می‌آورند که این مورد با احکام فقهی همخوانی دارد. نظر مقام معظم رهبری در مورد موسیقی‌های محلی، با تأکید بر حفظ هویت ملی و اصالت ایرانی، به این صورت است که موسیقی حلال و حرام دارد و موسیقی‌های مبتذل و لهوی که فاقد هویت ملی و اصالت ایرانی هستند، نباید پخش شوند. موسیقی می‌تواند ابزاری برای بیان ارزش‌ها و انتقال مفاهیم ارزشمند باشد، به‌ویژه اگر با ساخت روحی و عاطفی مردم همخوانی داشته باشد. (۱۴۲۴، ص ۲۴۸) بنابراین هرچند عرف جامعه ایران استعمال غنا و آلت‌های موسیقی در مراسم عروسی را پذیرفته است ولی از لحاظ فقهی، موسیقی که متناسب با مجالس لهو و لعب باشد، حرام است ولی موسیقی‌های دیگر مثل مولودی خوانی که برای شادی میهمانان نواخته می‌شود، مشکل شرعی ندارد.

۲-۵. رقصیدن

در مورد رقصیدن میان فقها چند دیدگاه وجود دارد:

رقص زن و شوهر: فقها قائل بر این هستند که رقص زن و شوهر برای همدیگر اشکالی ندارد (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۰۶؛ تبریزی، ۱۳۹۰، الف، ج ۲، ص ۲۱۹)؛ ولی اگر همراه ارتکاب گناهی باشد، جایز نیست. (خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ص ۲۵۶؛ بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۱) حرمت رقص به طور مطلق دلیل قطعی ندارد، فقط مطابق روایتی معتبر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از آن نهی فرموده است. لذا در غیر مورد رقص زن برای شوهر احتیاط در ترک آن است. (نجف‌آبادی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۲۹)

رقص زن در مجالس زنانه: رقصیدن زن در مجالس زنان و یا مرد در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک است. (خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۹۱۲؛ بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۲) مگر این که رقص زن پیش زن‌های دیگر باشد و نامحرمی در آن مجلس وجود نداشته باشد. (تبریزی، ۱۳۹۰، الف، ج ۲، ص ۲۱۹؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۲، ص ۲۵۶)

۱. رقص مرد در مجلس مردانه: رقصیدن مرد در مجالس مردان اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک است. (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۱؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۶۳؛ گلپایگانی، ۱۴۲۴، ص ۱۸۰؛ اراکی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۵-۲۵۶) پس رقص مرد در مجلس مردان مطلقاً حرام است.

۲. رقص در جشن عروسی فرزندان: رقصیدن در جشن عروسی فرزندان جایز نیست هرچند توسط پدران یا مادران در مجالس عروسی فرزندانشان باشد. (خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۹۷۰؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۲، ص ۲۵۶) پس رقصیدن در عروسی فرزندان نیز حرام است. رقص تنهایی: رقص شخص در صورتی که تنها باشد و کسی دیگر نباشد، از مصادیق لهو است و سزاوار است که مؤمن از لهو اجتناب کند. (تبریزی، ۱۳۹۰، الف، ج ۱، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۳۹۰، ب، ص ۱۵۵) و فرقی در رقص با آهنگ و بدون آهنگ و رقص در قسمتی از بدن و یا تمامی بدن وجود ندارد. (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۲)

رقص سنتی و رقص‌های نوین و غربی: حکم رقص سنتی با رقص‌های نوین و غربی از جهت رقص فرقی ندارد و حرام هستند. (تبریزی، ۱۳۹۰، الف، ج ۱، ص ۲۲۳؛ همو، ۱۳۹۰، ب، ص ۲۳۲)

۳. رقص داماد: رقصیدن داماد در مجلس زنان نیز حرام است. (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۲)

مستندات حرمت رقص، روایاتی است که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از دف زدن و رقصیدن و از هرگونه بازی و حضور یافتن و گوش دادن به آن نهی کرد و دف زدن جایز نیست مگر در عقد و عروسی به شرط آن که عروس باکره باشد و مردان در مجلس زنان داخل نشوند». (بروجری، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۴۱۳)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «امتم را از رقص و نی و تنبک و تار بازمی دارم». (همان، ص ۴۱۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «شما را از رقص و نی و تنبکها و طبلها بازمی دارم». (همان)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نهی فرموده: «از دف زدن و رقص نمودن و از جمیع لعبها و از حاضر شدن در آن مجالس و گوش دادن بر آنها و اجازه نکرده به دف زدن مگر در عروسی دختر باکره به شرط اینکه مردان در مجلس زن‌ها داخل نشوند». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۱۸؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۶۰)

دلالت روایات بر حرمت رقص کاملاً محسوس است و اگر هم دلیلی بر حرمت آن نباشد هیچ‌کدام از مراجع تقلید بر جواز رقص فتوا نداده‌اند. چون مفاسد آن زیاد است. هرچند عرف جامعه معاصر ایران، رقصیدن را یکی از ابزارهای شادی مراسم عروسی دانسته است ولی باین وجود، رقصیدن در مراسم عروسی، کاری حرام است.

۳-۵. نوشیدن خمر و مشروبات الکلی

در حرمت خمر میان فقها هیچ اختلاف نظری وجود ندارد اما در مورد لفظ خمر با هم اختلاف نظر دارند؛ در اینکه خمر بر هر مایع مست‌کننده اطلاق می‌شود یا خصوص شرابی که از آب انگور گرفته می‌شود، میان لغویان اختلاف است. برخی با استناد به اینکه هنگام نزول آیه تحریم خمر، در مدینه شراب انگور نبوده بلکه شراب خرما بوده، قول نخست را برگزیده‌اند. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۵۵؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۹۱۳؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۴۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۶۳) فقها نیز به تبع لغویان در معنای خمر اختلاف کرده‌اند. برخی، آن را به شراب انگور تعریف کرده و عطف «مُسکر» را بر «خمر» در بعضی روایات و نیز کلمات فقها دلیل مغایرت آن دو با یکدیگر دانسته‌اند. قول یادشده منسوب به مشهور فقها است. (بهبهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۹، ۹۳-۹۴) در مقابل، برخی با استناد به کلام اهل لغت و بعضی روایات - که هر مسکری را خمر دانسته - خمر را به معنای عام تعریف کرده‌اند که همه مسکرات را در برمی‌گیرد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۱۲-۱۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۵-۶) برخی از اینان افزوده‌اند: حتی اگر معنای لغوی خمر عام نباشد، کاربرد خمر در معنای عام حقیقت شرعی است. (بحرانی، همان) البته اختلاف یادشده در گستره مفهوم خمر، تأثیری در احکام مترتب بر آن - به لحاظ مست‌کننده بودن - ندارد، زیرا فقها

احکام خمر به معنای خاص را به دیگر مسکرات نیز تعمیم داده‌اند، گرچه اطلاق رایج این واژه در کلمات آنان همان مفهوم خاص است؛ بدین جهت معمولاً پس از ذکر خمر، مسکر را به آن عطف می‌کنند و یا پس از بیان حکم خمر، دیگر مسکرات را در حکم، ملحق به خمر می‌دانند. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۴۹۱) تجارت: دادوستد، نگهداری و هرگونه کسب با هر نوع شرابی، حرام و معامله باطل است. (خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۲-۸۵) اطعمه و اشربه: تناول کردن انواع مسکرات - به مقدار کم یا زیاد - حرام و موجب ثبوت حدّ است؛ هرچند مقداری بنوشد که مست نشود؛ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۶، ص ۳۷۳-۳۷۴) نوشاندن مسکرات به کودکان، حرام است. (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۸۷؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۳۶) حدود: حدّ نوشیدن انواع مسکرات، هرچند به مقدار اندک، هشتاد تازیانه است. (همان، ص ۴۴۹-۴۵۶) اما فقها در مورد مشروبات الکلی فرموده‌اند: «نوشیدن مشروبات الکلی مست‌کننده حرام و به فتوای مشهور، نجس نیز می‌باشد». (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۱؛ خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲) پس تمام مشروبات الکلی مست‌کننده حرام هستند و خرید و فروش آن نیز حرام است چه برای عروسی باشد یا استفاده شخصی و استعمال‌کننده آن مستحق حد است و حرمت آن در عروسی‌ها بیشتر است؛ زیرا افراد زیادی از مشروبات الکلی استفاده می‌کنند؛ حتی کودکان.

قرآن کریم استعمال خمر شرب را حرام اعلام کرده است (بقره، ۲۱۹). روایات زیادی نیز به حرمت شرب خمر نقل شده است. مثلاً روایت داریم: انسان دائم الخمر مانند بت پرست است... و به‌طورکلی شراب جز بر شر و بدی شراب‌خوار چیز نمی‌افزاید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۴۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۷۶؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۲، ص ۱۶۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۴، ص ۱۰۰) یا روایت داریم: علّت تحریم شراب برای این است که ریشه و اساس خبائث و زشتی‌هاست و سرآغاز هر بدی و شری است. (مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۶۲، ص ۱۶۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۳۱۷) هرچند ادله بر حرمت شرب خمر زیاد وجود دارد ولی برخی افراد با سوءاستفاده از عرف جامعه و نگاه غرب‌گرایانه، مشروبات الکلی را در مراسم عروسی ترویج داده‌اند و به یکی از عادت‌ها تبدیل شده است. ولی ازلحاظ فقهی، نوشیدن مشروبات الکلی چه در عروسی و چه در غیر عروسی، حرام است و حتی در قانون جرم‌انگاری شده است.

۴-۵. شاباش

پولی که به‌عنوان شاباش در مجالس رقص، به‌ویژه عروسی‌ها، به کسی که می‌رقصد می‌دهند،

برای دهنده و گیرنده آن، از نظر شرعی جایز نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۱۹۹۹؛ همو، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۵۷) که می‌توان حرمت آن را با توجه به اسراف و تبذیر تقریر نمود:

۱-۴-۵. تبذیر

تبذیر: «یعنی صرف مال در مصارف غیر شرعی». (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۳۲) برخی دیگر گفته‌اند: «تبذیر به معنی تفریق و اصل آن بذر پاشیدن است بعداً به‌طور استعاره به آنکه مال خویش را ضایع می‌کند». (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۳)

حکم: تبذیر که در قرآن از آن نهی شده و تبذیرکننده از برادران شیطان به شمار رفته (اسراء، ۲۶ و ۲۷) حرام و از گناهان کبیره است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۳۱۰)

۲-۴-۵. اسراف

«اسراف در لغت یعنی انفاق کردن در راه غیر اعتدال و صرف مال در غیر جایگاهش». (عبدالرحمان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۳) در کتب لغتی معانی گوناگونی برای اسراف آمده است: «تبذیر، ضد قصد (ضد اعتدال)، تجاوز از حد، انفاق در غیر مورد حق، انفاق در غیر طاعت خدا، انفاق در معصیت و...». (فیومی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۷۳؛ ابن فارس، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۵۱؛ فراهیدی، بی تا، ج ۷، ص ۲۴۴؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۱؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۹)؛ اما مفهوم اصطلاحی اسراف نسبت به معنای لغوی محدودتر است؛ زیرا تجاوز از حدی که از نظر عقلاً قبیح باشد اسراف به شمار می‌آید. (جمعی از مؤلفان، ۱۴۲۲، ج ۲۹، ص ۱۶۹) برخی گفته‌اند: «اسراف عبارت است از: هزینه مال در مواردی که عقلاً آن را قبیح می‌دانند یا در مواردی که هزینه سزاوار نیست». (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۶۳۵) برخی دیگر گفته‌اند: «ادله حرمت اسراف زینت مساجد را شامل نمی‌شود؛ زیرا مفهوم اسراف متقوم است به هزینه مال در مواردی که غرض عقلایی ندارد». (خویی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۳۹) بنابراین هرگونه تجاوز از حد اسراف نیست. تجاوز از حدی که غرض عقلایی را در پی نداشته و مورد تقبیح عقلاً باشد اسراف است.

تفاوت اسراف و تبذیر: «اسراف - با توجه به موارد کاربرد آن در آیات و روایات - اعم از تبذیر است». (یزدی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸۷) «تبذیر در خصوص مال کاربرد دارد، اما اسراف هم در مال و هم در افعالی که از انسان صادر می‌شود». (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۷۸)

فقطها بر حرمت اسراف و تبذیر اتفاق نظر دارند و ادله آن‌ها آیات و روایات است. (طباطبایی،

۱۴۱۶، ص ۳۰۵؛ ایروانی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۰۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۸۰۶) و علما برای حرمت اسراف و تبذیر به کتاب و سنت و برخی ادله دیگر استناد کرده‌اند: (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۵۷۱؛ منتظری، ۱۴۱۷، ص ۵۹۹) قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ...﴾ (اسراء، آیه ۲۷).

(پیامبر صلی الله علیه و آله) با استناد بر این آیه گفته است که مال را نباید در غیر حق انفاق کرد). (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۱۶؛ همو، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۵۳) لذا آیه مبنی بر تهدید گروهی است که قسمتی از مال خود را در غیر مورد مناسب و شایسته صرف نمایند گذشته از اینکه اتلاف مال است سبب تضييع حقوق جامعه نیز می‌شود و حرام است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۵۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۳۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۳۰)

امام علی (علیه السلام) به کارگزارانش می‌فرمودند: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) كَتَبَ إِلَى عَمَّالِهِ - أَدُقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ - وَ اخَذُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ - وَ أَقْصِدُوا قَصْدَ الْمُعَانِي - وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْتَارَ - فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ» نوک قلم‌هایتان را ریز کنید و سطرها را به هم نزدیک بنویسید، حرف‌های اضافی را کنار بگذارید و تنها تعادل و رسایی معنی را در نظر بگیرید و از ولخرجی و زیاده‌روی پرهیزید، که اموال مسلمانان تحمل زیان را ندارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۰۴؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ج ۱۰۱، ص ۲۷۵) از امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يَجِيهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ السَّرْفُ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاةَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَلَ شَرَابِكَ.» میانه‌روی چیزی است که خداوند عزَّ و جلَّ آن را دوست می‌دارد و اسراف و زیاده‌روی را دشمن می‌دارد، حتی دور انداختن یک هسته، زیرا آن به کاری می‌آید و حتی دور ریختن آبی که از نوشیدن افزون آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۱۸۶؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۸۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۴۹۵) با توجه به نصوص و همچنین نظرات فقها اسراف و تبذیر در هر چیزی حرام است. حال اسراف و تبذیر در مالی است که بیهوده شاباش (به گروه ارکس داده می‌شود برای شور بیشتر) می‌شود یا به میان افراد پرتاب می‌شود یا برای تشویق و ترغیب افراد به رقص میان افراد پخش می‌شود. در واقع عرف جامعه پذیرفته است که برای شور دادن به جوانان و افرادی که در مراسم عروسی حضور دارند، شاباش داده شود. ولی اگر با نگاه فقهی به این قضیه نگاه شود، شاباش مصداق بارز اسراف و تبذیر است و کار بیهوده در نگاه عقلا محسوب می‌شود. پس عرف جامعه در این مورد، نگاه اشتباه و غیر واقع دارد.

۵-۵. مواد مخدر

یکی از رسوم جامعه امروزی خصوصاً در روستاها، پخش مواد مخدر در مراسم عروسی است؛ یعنی برگزارکنندگان مراسم عروسی، در میان افراد معتاد، مواد مخدر پخش می‌کنند تا این‌گونه افراد نیز سوروساتی از این عروسی نصیبشان شود و به شادی خود برسند. ولی باین وجود، پخش مواد مخدر در مراسم عروسی، کاری عقلایی، شرعی و قانونی نیست.

مواد مخدر ریشه تاریخی دارد؛ یعنی در صدر اسلام هم وجود دارد و در قول معصومین (علیهم السلام) آمده است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۸۵) و به تبع فقها هم احکام آن را در کتب خود آورده‌اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۸۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۵۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۳۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۸۳) شایع‌ترین مواد مخدر میان افراد معتاد، تریاک و سیگار است که در بیشتر عروسی‌ها میان معتادین تقسیم می‌شود؛ اعتیاد به مواد مخدر از هر نوع که باشد اعم از خواب‌آور، مختل‌کننده حواس و مست‌کننده - مانند تریاک، بنگ، حشیش و هروئین - حرام است و حتی بسیاری از فقیهان جواز استفاده طیبی از برخی مواد مخدر را، به ضرورت و انحصار درمان به آن و منجر نشدن به اعتیاد مشروط کرده‌اند. تریاک، شیرۀ خشخاش است. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۵۵) مصرف تریاک به قول برخی از معاصران مطلقاً حرام است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۰) برخی گفته‌اند: برای کسی که در معرض اعتیاد به آن باشد، مصرف حرام و در فرض اعتیاد، ترک آن با تمکّن و توان، واجب است. (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۵ و ۶۸) استعمال دخانیات مانند سیگار، توتون و تنباکو و اعتیاد به آن، ضرر عمده داشته باشد، حرام است. (خویی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶) روایات زیادی بر حرمت مواد مخدر نقل شده است: مثل وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «سَلَّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ لَا تَسَلَّمُوا عَلَى آكِلِ الْبَنْجِ». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۸۵) یا وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ احْتَقَرَ ذَنْبَ الْبَنْجِ فَقَدْ كَفَرَ». (همان) برای حرمت مواد مخدر برخی فقها به دلیل عقلی استناد کرده‌اند. (صدر، ۱۹۸۰، ص ۳۷۹) عقل می‌گوید استعمال مواد مخدر حرام است؛ زیرا باعث ضرر می‌شود و آن ضرر چشمگیر است. پس استعمال مواد مخدر مطلقاً حرام است و مستند آن روایات و عقل است؛ بنابراین کسانی که در عروسی خود مواد مخدر پخش می‌کنند دچار گناه و جرم می‌شوند و مستحق مجازات هستند.

۵-۶. مردم آزاری

«یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود». (محقق داماد، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۱) «در خصوص لاضرر، روایات بسیار زیادی وارد شده که از فرط تعدد به صورت تواتر اجمالی درآمده‌اند: به این معنا که هرچند همه روایات به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند». (همان، ص ۱۳۳) روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۳۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۴۲۹) یعنی در اسلام هیچ ضرری وجود ندارد. در واقع این روایت می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند از حق خود، به دیگران ضرر رساند و این قضیه اگر در موردی پیش آید حاکم باید اختلاف نظر را حل کند و اگر کسی ضرری برساند باید مجازات شود؛ و مفهوم کلی این روایت آن است که ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است.

تعدی و تجاوز به حق دیگران به وسیله حق خود، تعدی و تجاوز به حدود الهی است؛ یعنی وقتی حدود الهی در اسلام مشخص شود هیچ‌کس حق ندارد به آن تجاوز کند حتی اگر با جواز شرعی باشد. امروز برگزاری عروسی با سروصدا زیاد که همسایه و افراد دیگر را آزار می‌دهد مثل صدای ساز و آلت‌های موسیقی، سروصدای زنان، صدای بوق ماشین در آخر شب، عروس گردان، صدای زیاد آهنگ‌های ماشین‌ها، راه‌بندان و گرفتن جاده‌ها، از نمونه‌های بارز مردم‌آزاری هستند که این افراد مستحق مسئولیت کیفری و مدنی هستند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به نتایج ذیل رسیده شده است:

۱. ازدواج در کتاب و سنت ارزش، فضیلت و ثواب زیادی دارد و در اسلام به اندازه ازدواج به هیچ‌چیز دیگر سفارش نشده است. یکی از سنت‌های پسندیده در امر ازدواج دادن ولیمه است و سزاوار است که مؤمنین برای ولیمه دعوت شوند و برای آن‌ها مستحب است که آن را اجابت نمایند و از ولیمه بخورند و سزاوار است که دعوت صاحب دعوت، هم اغنیاء و هم فقرا را شامل شود.
۲. عروسی‌های که در ایران برگزار می‌شود غالباً با برگشته از عرف جامعه معاصر ایران است ولی با گناه تلفیق شده‌اند و کسی نمی‌تواند گناه‌های موجود را انکار یا رد کند.

مثلاً آوردن ابزار و آلت‌های موسیقی غنایی در مراسم عروسی حرام است و اجرت آن‌ها هم حرام است. رقصیدن زن یا مرد یا مختلط زن و مرد برای همدیگر در عروسی حرام است. استعمال شرب خمر مطلقاً حرام است و حرمت آن در مراسم عروسی‌ها بیشتر است چون اقشار مختلف مردم حاضر در آن مجلس از شراب استفاده می‌کنند؛ و مرتکبین مستحق مجازات هستند.

۳. استعمال مواد مخدر مطلقاً حرام است و مستند آن روایات و عقل است؛ بنابراین کسانی که در عروسی خود مواد مخدر پخش می‌کنند دچار گناه و جرم می‌شوند و مستحق مجازات هستند. همچنین با توجه به نصوص، اسراف و تبذیر در هر چیزی حرام است. در عروسی‌ها اسراف و زیاده‌روی می‌شود؛ مثلاً شاباشی که به گروه ارکس داده می‌شود و همچنین در عروسی‌ها تعدی و تفریط زیاد صورت می‌گیرد مثل مردم‌آزاری که با سروصدای بلند ارگ، بوق ماشین‌ها، بستن جاده‌ها با کارناوال عروس گردان و... صورت می‌گیرد.

منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۵ ق). عوالی اللئالی العزیزیه. قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن اثیر، مبارک (بی تا). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴. ابن براج، عبد العزیز. (۱۴۰۶ ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۵. ابن فارس، احمد (۱۳۹۰). معجم مقاییس اللغه. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶. ابن قدامه مقدسی (۱۴۰۱ ق). شرح الکبیر. قم: نشر مجمع الذخائر الإسلامیه.
۷. ابن قدامه (۱۴۱۷ ق). المغنی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۲ ق). سنن ابن ماجه. بیروت: دارالفکر.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۱۰. اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری. (۱۳۷۰). بررسی مواد مخدر در متون اسلامی. تهران.
۱۱. اراکی، محمد (۱۳۷۳ ش). استفتاءات. قم: نشر معروف.
۱۲. امامی، سید حسن (۱۴۲۶ ق). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۳. ایروانی، باقر (۱۴۲۶ ق). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۱۴. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضره. قم: حوزه علمیه قم.
۱۵. بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹ ق). منابع فقه شیعه. (ترجمه حسینیان قمی، مهدی صبوری). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۶. بنازاده، محمد (۱۴۰۳ ش). کارکرد عرف در استنباط احکام شرعی با تأکید بر نظر امام خمینی. در مجله آفاق علوم انسانی. دوره ۸، شماره ۸۵. <https://www.magiran.com/p2714637>

۱۷. بهبهانی (۱۳۹۰). الرسائل الفقهية. قم: مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي.
۱۸. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ ق). استفتاءات. قم: دفتر حضرت آية الله بهجت.
۱۹. تبرزی، جواد بن علی (۱۳۹۰ الف). استفتاءات جدید. قم: مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي.
۲۰. _____ (۱۳۹۰ ب). رساله احكام جوانان و نوجوانان. قم: مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي.
۲۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
۲۲. جمعی از مؤلفان (۱۳۹۰). مجله فقه اهل بیت (عليهم السلام) (۵۶ جلد). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بیت (عليهم السلام).
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية. بيروت: دار العلم للملايين.
۲۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشيعة. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
۲۵. حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان. تهران: لطفی.
۲۶. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۶ ق). الفقه السلم و السلام. بيروت: دار العلوم للتحقيق و الطباعة.
۲۷. حکیم، محمد هادی (۱۴۲۴ ق). المعجم الفقهي لكتب الشيخ الطوسي. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامي.
۲۸. حلّی، مقداد بن عبد الله (بی تا). كنز العرفان في فقه القرآن. قم: بی نا.
۲۹. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
۳۰. حمیری، نشوان (۱۴۲۰ ق). شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم. بيروت: دار الفكر المعاصر.
۳۱. خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی (۱۳۸۷). اجوبة الاستفتاءات. بيروت: دار الوسيله.
۳۲. _____ (۱۴۲۴ ق). أجوبة الاستفتاءات. قم: دفتر معظم له در قم.
۳۳. خلاف، عبدالوهاب (۱۹۹۶ م). علم اصول الفقه. قاهره: دار الفكر العربي.
۳۴. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۲ ق). استفتاءات. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين.

۳۵. _____ (۱۴۲۴ ق). توضیح المسائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۶. _____ (۱۴۲۵ ق). تحریر الوسيلة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). منیه السائل. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۸. _____ (۱۴۱۰ ق). التنقیح (تقریرات میرزا علی غروی تبریزی). قم: دارالهادی.
۳۹. _____ (۱۴۱۶ ق). مصباح الفقاهه. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۴۰. _____ (۱۴۱۶ ق). منهاج الصالحین. تهران: مرتضوی.
۴۱. _____ (۱۴۲۱ ق). مستند العروة الوثقی. قم: المطبعة العلمية.
۴۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ ش). لغت نامه. تهران: موسسه لغت نامه.
۴۳. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق). المفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۴۴. رامپوری، غیاث الدین (۱۳۹۰). غیاث اللغات. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴۵. ری شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمه. قم: موسسه علمی دارالحدیث.
۴۶. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر للطباعة.
۴۷. زرqa، مصطفی احمد (۱۴۱۸ ق). المدخل الفقهي العام. دمشق: دار القلم.
۴۸. سبحانی، جعفر (۱۴۳۱ ق). المبسوط فی اصول الفقه. قم: موسسه امام صادق (علیه السلام).
۴۹. سلقینی، ابراهیم (۱۳۷۹). المیسر فی اصول الفقه. قم: نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۵۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۳۶ ق). بدایع البحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۱. شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۹۰). الام. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵۲. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. تهران: میقات.
۵۳. شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۵۴. شربیحی، خطیب (۱۴۰۴ ق). مغنی المحتاج. قم: نشر اسلامی.
۵۵. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۸ ق). نیل الاوطار. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۵۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۵۷. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
۵۸. _____ (۱۳۹۰). خصال. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵۹. _____ (۱۴۰۳ ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۶۰. _____ (۱۴۰۶ ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۶۱. _____ (۱۴۰۹ ق). من لا یحضره الفقیه. (ترجمه علی اکبر و محمد غفاری). تهران: نشر صدوق.
۶۲. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۳. صدر، محمد باقر (۱۹۸۰ م). دروس فی علم الاصول. بیروت: دار الکتب اللبنانی.
۶۴. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ ق). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۴ ق). العروة الوثقی. قم: نشر الاسلامی.
۶۶. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۶ ق). حواریات فقهیه. بیروت: مؤسسه المنار.
۶۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۷). تفسیر جوامع الجامع. گروه ترجمان. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۶۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ ق). المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۶۹. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ ق). مجمع البحرين. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۷۰. طوسی، محمد (۱۳۹۰). امالی. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۷۱. _____ (۱۴۰۷ ق - الف). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۷۲. _____ (۱۴۰۷ ق - ب). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۳. عاملی، سید جواد حسینی (۱۴۱۹ ق). مفتاح الكرامه. قم: حوزه علمیه قم.
۷۴. عبد الرحمان، محمود (۱۳۹۰). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۷۵. علامه حلّی، حسن (۱۳۸۸). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
۷۶. _____ (۱۴۲۰ ق.). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام).
۷۷. عليدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). فقه و عرف. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷۸. عمید، حسن (۱۴۱۵ ق.). فرهنگ عمید. قم: بی نا.
۷۹. غضنفری، علی (۱۳۸۷). زفاف. قم: نیلوفرانه.
۸۰. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق.). كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۸۱. فراهیدی، عبدالرحمان الخلیل (بی تا). العین. قم: منشورات دارالهجره.
۸۲. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ ق.). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (عليه السلام).
۸۳. _____ (۱۴۱۷ ق.). محجة البيضاء. قم: جامعه مدرسین.
۸۴. _____ (۱۳۸۵). تفسیر الصافی (ترجمه گروهی از فضلاء). قم: نوید اسلام.
۸۵. فیومی، احمد (۱۳۹۰). مصباح المنیر. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۸۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ ق.). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۸۷. قلعه جی (۱۳۹۰). معجم لغة الفقهاء. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۸۸. قمی، شیخ عباس (۱۴۲۳ ق.). الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی. قم: منشورات صبح پیروزی.
۸۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰ ش.). حقوق خانواده. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹۰. کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۳۷۶). فوائد الاصول (تقریرات خارج اصول میرزای نائینی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۹۱. کرمانشاهی، محمد (۱۳۹۰). خیراتیة. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۹۳. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۰۹ ق.). مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم.
۹۴. گلپایگانی، لطف الله صافی (۱۴۱۷ ق.). جامع الأحكام. قم: انتشارات حضرت معصومه (عليها السلام).
۹۵. _____ (۱۴۲۴ ق.). احکام نوجوانان. نشر راسخون.

۹۶. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۳۹۰). جامع المسائل. قم: انتشارات امیر قلم.
۹۷. لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹۸. متقی هندی، علا الدین بن علی (بی تا). کنز العمال فی سنن الاقوال. بیروت: موسسه الرساله.
۹۹. مجلسی دوم، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰۰. _____ (۱۴۱۰ ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
۱۰۱. محقق حلّی، جعفر (۱۴۱۲ ق). نکت النهایة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰۲. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۰). حقوق خانواده. قم: مرکز تحقیقات نور.
۱۰۳. _____ (۱۳۹۱). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۰۴. مطهری، شهید مرتضی (۱۳۹۰). فقه و حقوق. تهران: صدرا.
۱۰۵. مطیعی، محمد بخیت (۱۴۱۳ ق). سلم الوصول. قم: حوزه علمیه قم.
۱۰۶. مقدس اردبیلی، احمد (۱۳۹۰). مجمع الفائد فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق). دایرة المعارف فقه مقارن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۱۰۸. _____ (۱۴۲۷ ق). استفتاءات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۱۰۹. _____ (۱۴۲۷ ق). بحوث فقهیه هامة. قم: انتشارات مدرسة الإمام علی (علیه السلام).
۱۱۰. _____ (۱۴۲۸ ق). احکام بانوان. قم: انتشارات مدرسه امام علی (علیه السلام).
۱۱۱. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۳۹۰). رساله استفتاءات. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱۲. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۱۷ ق). نظام الحکم فی الإسلام. قم: نشر سراپی.
۱۱۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱۴. نراقی، احمد (۱۳۹۰ ق). مستند الشیعه. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱۵. _____ (۱۴۱۷ ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۱۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
۱۱۷. نووی (۱۴۱۲ ق). المجموع شرح المذهب. بیروت: نشر دار الفکر.
۱۱۸. یزدی، محمد (۱۴۱۵ ق). فقه القرآن. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

